



جایگاه انگشتر در سیره امام صادق علیهم السلام

دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۰۵ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۱۷ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۵

حمیدرضا مطهری^۱ لیلا شریفی^۲

چکیده

انگشتر به‌عنوان یک وسیله زینتی در جوامع مختلف و دارای ارزش معنوی در جامعه اسلامی از جایگاه ویژه‌ای در زندگی بشر برخوردار بوده و در سیره معصومان از جمله امام صادق علیهم السلام هم اهمیت زیادی داشته و بر استفاده از آن سفارش و تأکید شده است. پرسش اصلی این پژوهش آن است که انگشتر در سیره امام صادق علیهم السلام از چه جایگاه و اهمیتی برخوردار بوده و چه کارکردی داشته است؟ امام صادق علیهم السلام ضمن سفارش برای به دست کردن انگشتر و چگونگی آن، از انگشتر و نقش نگین آن برای نشان دادن وضعیت سیاسی و فرهنگی عصر خود استفاده و گاه نیز برخی افراد را توصیه می‌کردند تا از آن به‌عنوان وسیله‌ای برای شمارش رکعت‌های نماز استفاده کنند. جنس انگشتر و نگین آن و نیز نقش نگین از نکاتی هستند که در سیره امام صادق علیهم السلام مورد توجه قرار گرفته و به آن سفارش‌هایی داشتند. این پژوهش با تکیه بر منابع و گزارش‌های تاریخی و حدیثی متقدم به شیوه تاریخی و به روش وصفی تحلیلی، جایگاه انگشتر در سیره امام صادق علیهم السلام را تبیین کرده است. تأکید ایشان بر استفاده از این زینت اسلامی به‌عنوان امر مستحبی و بیان آثار و فضیلت‌های آن که نشان از جایگاه والای انگشتر دارد و رابطه بین نقش انگشتر امام صادق علیهم السلام با شخصیت و شرایط سیاسی اجتماعی و فرهنگی عصر ایشان نیز از مهم‌ترین دستاوردهای این پژوهش است.

کلیدواژه‌ها: امام صادق علیهم السلام، خانم، انگشتر، نقش نگین، کارکرد انگشتر.

۱. دانشیار پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت علیهم السلام، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران: h.motahari@isca.ac.ir

۲. دانش پژوه سطح چهار تاریخ و سیره پیامبر ﷺ، جامعه الزهراء علیها السلام، قم، ایران (نویسنده مسئول): l.sharifi1395@gmail.com

۱. مقدمه

انگشتر به‌عنوان یک ابزار زینتی و کاربردی در طول تاریخ همواره مورد توجه بشر بوده و در دوران اسلامی و در سیره امامان شیعه به‌ویژه امام صادق علیه السلام جایگاه ویژه‌ای داشته است؛ به طوری که به آن توجه می‌کردند و در این زمینه روایاتی نیز از آن بزرگوار نقل شده و بر فضیلت انگشتر تاکید شده است تا جایی که به دست کردن آن را از نشانه‌های مومن برشمرده‌اند (مفید، ۱۴۱۳ ق (الف): ۵۳). این پژوهش بر آن است تا ضمن تبیین خواص، فضیلت و آداب انگشتر و جنس نگین و نقش آن در سیره امام صادق علیه السلام کارکردهای آن را بررسی کرده و رابطه بین این نقوش با شخصیت این امام بزرگوار و اوضاع و شرایط عصر ایشان را بررسی کند. بررسی گزارش‌های موجود نشان می‌دهد که امام صادق علیه السلام نقش نگین انگشتر خود را با توجه به شرایط و زمانه‌ای که در آن زندگی می‌کردند و با توجه به ویژگی‌های شخصیتی خود انتخاب می‌کردند و گاه جنبه اعتراضی و انتقادی به حکومت و شرایط فرهنگی آن دوران داشته است. با توجه به وضعیت جامعه و استفاده‌های امروزی از انگشتر تبیین سیر تحول کارکرد و نوع کاربرد آن در سیره معصومان به‌ویژه امام صادق علیه السلام به منظور الگویی در جامعه از اهمیت بسزایی برخوردار است.

۱-۱. پیشینه پژوهش

درباره جایگاه انگشتر در سیره امام صادق علیه السلام اثر مستقلی یافت نشد؛ اما برخی پژوهش‌ها درباره انگشتر معصومان اشاره‌ای به این موضوع دارند که از جمله آن‌ها می‌توان به کتاب «نقش الخواتیم لدى الائمة» جعفر مرتضی عاملی (۱۳۷۸) به بررسی نقش انگشترهای معصومان علیهم السلام به‌ویژه امام رضا علیه السلام پرداخته و از نقش‌های مشهور تأثیر شرایط و اوضاع حاکم به صورت مختصر اشاره کرده است. بحث اصلی درباره امام رضا علیه السلام است. کتاب «انگشتر زینتی اسلامی» اثر علی اکبر رنجبران (۱۳۹۳) نیز روایات متعدد درباره انگشتر را آورده، اما خالی از تبیین و تحلیل است.

مقاله «از انگشتری تا مهر» آقای محمد طه الولی (۱۹۶۷) سیر تطور انگشتر و نقش

(حمیدرضا مطهری، لیلا شریفی)

خاتم را از قبل از اسلام بحث می‌کند و به نقش انگشتر ائمه و خلفای اسلامی به صورت فهرستوار پرداخته و به نقش خاتم پیامبر با تفاوت اقوال اشاره کرده است. سید ابوالقاسم حسینی (۱۳۹۷) نیز در مقاله «تحلیل جهت‌نمای ذکر در آرایه انگشتر در سیره معصومین (علیهم‌السلام)» جنبه هنری و حکاکی روی نگین را بررسی کرده و آن را با شخصیت الهی ائمه پیوند می‌دهد؛ اما از تفاوت اقوال و رابطه نقش خاتم و شرایط عصر معصوم سخنی به میان نمی‌آورد. بیات مختاری و سراج (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «نقوش توحیدی انگشترهای امام رضا (علیه السلام) و چرایی انتخاب آن‌ها» با اشاره به نقوش انگشترهای پیامبر ﷺ و ائمه (علیهم‌السلام) به تحلیل محتوایی نقوش انگشترهای امام رضا (علیه السلام) پرداخته‌اند. چنان‌که از عنوان مقاله پیداست، بر نقوش انگشترهای امام رضا (علیه السلام) تمرکز دارد؛ بنابراین اثری مستقل و تحلیلی درباره انگشتر و جایگاه آن نزد امام صادق (علیه السلام) یافت نشد.

۲. مفهوم‌شناسی

انگشتر؛ حلقه‌ای از زر یا سیم یا فلز دیگر یا از احجار کریمه است که در انگشت می‌کنند و معمولاً برای زینت به کار می‌رود. گرچه گاهی کار مهر کردن را هم انجام می‌دهد (دهخدا، ۱۳۹۰، ج ۱: ۲۶۸).

خاتم؛ خاتم از ریشه (خ ت م) و اسم مفعول است و مفرد خوانیم است و در لغت به معنای «رسیدن به آخر و نهایت چیزی است» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲: ۲۴۵) و در اصطلاح «حلقه‌ای است دارای نگین یا بدون نگین» (طریحی، ۱۳۷۵: ۵۳) و در واقع همان انگشتری است در زبان فارسی. انگشتری را از آن جهت خاتم گفته‌اند که نامه را با آن مهر می‌کنند (قرشی بنابی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۲۶۶) و چون پس از پایان چیزی، بر آن مهر می‌زنند، مهر را خاتم گفته‌اند (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲: ۲۴۵) در روایات نیز از انگشتر با عنوان خاتم یاد شده است. منظور از خاتم در این پژوهش همان انگشتر است.

نگین؛ گوهر و سنگ قیمتی که بر روی انگشتر نصب کنند یا علامت پادشاهی و

فرمانروایی و همان خاتم سلطنت و شاهی (دهخدا، ۱۳۹۰، ج ۲: ۳۰۳۸) که در زبان عربی به آن «فص» گفته می‌شود (حسینی زبیدی واسطی، ۱۴۱۴ق، ج ۹: ۳۲۳) منظور ما در این پژوهش همان گوهر و سنگ قیمتی است که روی انگشتر قرار می‌گیرد.

۲-۱. انگشتر و جایگاه آن از منظر امام صادق (علیه السلام)

۲-۱-۱. فضیلت انگشتر

جایگاه و فضیلت انگشتر در سیره معصومان به اندازه‌ای است که بخش مهمی از روایات را به خود اختصاص داده است. دسته‌ای از این روایات در باب فضیلت انگشتر به دست کردن است. همچنین درباره جنس و نقش و آداب آن و تأکید بر به دست کردن انواع خاصی از آن مطالب فراوانی دیده می‌شود. در سیره پیامبر و امامان تأکید و سفارش بسیار درباره انگشتر به دست کردن وجود دارد و این تأکید نشانه استحباب و فضیلت انگشتر است و سنت به‌شمار می‌رود. امام صادق (علیه السلام) انگشتر به دست کردن را سنت بیان کرده (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۶: ۴۶۸) و استفاده از انگشتر عقیق را مستحب دانسته‌اند (همان).

۲-۱-۲. کاربرد انگشتر

هر وسیله و ابزاری که بشر می‌سازد یا کشف می‌کند برای اهداف خاصی است و کارکرد و کاربردهایی دارد که بیانگر جایگاه و اهمیت آن است. انگشتر نیز از این قاعده مستثنا نیست و در منابع مختلف کاربردها و کارکردهای فراوانی برای آن ذکر شده است؛ از جمله: نشان ازدواج، وسیله تفاخر و تجمل، زینت، میراث خانوادگی، نماد، ابزار استخاره و قرعه، مهر و خاتم، نماد و بیان‌کننده شعار، زهار و امان، طلسم، تبرک فرمان، نشان پادشاهی، کسب ثواب، وسیله هدف‌گیری و کمانگیری، نشان و علامت شناسایی.

کارکرد انگشتر در سیره امام صادق (علیه السلام) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و می‌توان آن را متناسب با شرایط سیاسی و فرهنگی زمانه آن امام همام دانست. توجه به عبارت‌هایی که

بر نگین انگشتر آن حضرت نقش بسته بود، نوعی واکنش به وضعیت زمانه را در آن عبارات می‌توان دید. عبارت‌هایی مانند «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» و «اللَّهُمَّ أَنْتَ تَقْتَبِي فَقِنِي شَرَّ خَلْقِكَ» و «أَنْتَ تَقْتَبِي فَأَعِصِمْنِي مِنَ النَّاسِ» و «اللَّهُ وَلِيِّي وَ عِصْمَتِي مِنْ خَلْقِهِ» (کلینی، ۱۳۶۲، ج: ۶، ۴۷۳ - ۴۷۴) هر کدام بیانگر یک نکته مهم از وضعیت سیاسی و فرهنگی آن دوره است. عصری که اندیشه‌های غالیانه، قسمتی از جامعه را تهدید می‌کرد تأکید بر خالق بودن خداوند به نوعی تقابل با این جریان انحرافی بود. عبارت‌های بعدی نیز در زمانی که امام از جانب حکومت عباسیان به شدت تحت فشار بود، کارکرد تقابلی با حکومت را تداعی و خداوند را نگه‌دارنده خود معرفی می‌کرد.

در کلمات امام صادق (علیه السلام) همچنین شمارش رکعت‌های نماز به وسیله انگشتر توصیه شده است. اگرچه چنین کاربردی در رفتار امام دیده نمی‌شود، اما به جهت توصیه ایشان به این امر در بحث کاربردهای انگشتر، می‌توان بدان استناد کرد. بدین معنا که نمازگزار می‌تواند برای جلوگیری از اشتباه و فراموشی در نماز از انگشتر استفاده کند تا بتواند تعداد رکعت‌ها را به خاطر بسپارد و از آنجا که در روایات به آن اشاره شده، می‌توان فهمید که مورد ابتلا و دارای جایگاه بوده است و امام نیز بر آن صحه گذاشته‌اند. فردی به نام حبیب بن معلا، از امام صادق (علیه السلام) پرسید که به جهت فراموشی بسیار و اشتباه در رکعت‌های نماز به وسیله انگشتر و تغییر جای آن در انگشتان خود تعداد رکعت‌ها را به خاطر می‌سپارد؛ امام آن را تأیید کردند (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج: ۱، ۲۵۵). در روایت دیگری امام صادق (علیه السلام) شمردن رکعت‌های نماز را با انگشتر جایز شمردند (همان: ۳۳۹).

۲-۱-۳. آداب انگشتر به دست کردن

در منابع تاریخی و حدیثی آداب و مقدماتی برای برخی از اعمال مانند وضو، عمامه به سر نهادن، لباس نوپوسیدن، در آینه نگاه کردن و... ذکر شده است انگشتر به دست کردن را «لبس خاتم» گفته‌اند. از آنجا که انگشتر مستحب موکد است از این قاعده مستثنا نبوده و آدابی با عنوان «آداب تختم» برای آن بیان شده است.

انگشتر به دست راست کردن یکی از این آداب است و معصومان (علیهم السلام) نیز به آن اهتمام داشته‌اند. همان‌طور که امام صادق (علیه السلام) در موارد متعددی از این خبر داده که پیامبر، حضرت علی (علیه السلام) و امام سجاد (علیه السلام) انگشتر به دست راست می‌کردند (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۶: ۴۶۹-۴۷۰). همچنین در کلام آن حضرت، کسانی را که انگشتر به دست راست می‌کنند در قیامت بر مرکب‌هایی از نور توصیف کرده‌اند (نوری، ۱۴۰۸، ج ۳: ۲۹۱).

شعر زیر نیز به زیبایی این مطلب را به تصویر کشیده است. چون احیا و توسعه تعالیم اسلام ناب و شیعه را مهون دوران امام صادق (علیه السلام) و تلاش‌های او دانسته‌اند؛ بنابراین، تخرم به دست راست را هم به گونه‌ای به ایشان نسبت داده‌اند.

قالوا تَحْتَمُّ فِي الْيَمِينِ وَإِنَّمَا
و تَقْرَبًا مِنِّي لِأَلِّ مُحَمَّدٍ
مارسْتُ ذَاكَ تَشْبَهًا بِالصَّادِقِ
و تَبَاعُدًا مِنِّي لِكَئَلِ مَنَافِقٍ^۱

(طهرانی، ج ۹: ۱۰۵۸).

یکی دیگر از آداب تخرم، قرار دادن انگشتر در انتهای انگشت و منع از قرار دادن آن در بند نخست یا دوم انگشت است. در روایتی از امام صادق (علیه السلام) نیز بر این امر تصریح شده و فرموده‌اند: «بَلِّغُوا بِالْحَوَاتِيمِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۸۴). شیخ صدوق در تبیین این روایت می‌گوید: یعنی انگشترها را در انتهای انگشت قرار دهید و در اطراف آن (بندهای ابتدایی انگشت) قرار ندهید، چون در روایت آمده که آن از جمله کارهای قوم لوط است (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱: ۲۵۸).

۲-۱-۴. انگشتر سفارش شده

نقره؛ انگشتر متداول در دست معصومان (علیهم السلام) نقره بوده و همین را به پیروان خود سفارش می‌کردند (ابن کثیر دمشقی، ج ۶: ۴) امام صادق (علیه السلام) روایتی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل کرده

۱. «گفتند انگشتر به دست راست کن (چون این کار نشانه شیعه بودن و مذهب امام صادق است) من بر این کار ممارست کردم تا شبیه امام صادق (علیه السلام) شوم و به آل محمد تقرب جویم و از اهل نفاق دور باشم.»

که فرموده: «به غیر از نقره تختم نکنید» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۳: ۵۶).

۲-۲. انگشترهای نهی شده

۲-۲-۱. حدید

یکی از جنس‌هایی که برای انگشتر نقل و از آن نهی شده حدید است. امام صادق (علیه السلام) در روایتی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از انگشتر حدید نهی کردند و فرمودند: «مردی که انگشتر حدید در دست دارد، نمازش نماز نیست» (همان). اکثر منابع فقهی هم برای کراهت انگشتر حدید به همین روایت استناد می‌کنند.

البته برای امیرالمومنین علی (علیه السلام) چندین انگشتری ذکر کرده‌اند که در زمان رویارویی با دشمن به دست می‌کردند (شامی، ۱۴۲۰ ق: ۴۴۸) ممکن است در اینجا پرسیده شود که این خبر با احادیثی که استفاده از حدید را نهی کرده چگونه جمع می‌شود؟ باید گفت انگشتر حدیدی که برای امیرالمومنین (علیه السلام) ذکر کرده‌اند حدید صینی (چینی) بوده؛ اما آنچه در روایات نهی شده حدید بدون صفت صینی است. احتمال دیگر آن است که ممکن است منظور از حدید در انگشتر جنس رکاب آن باشد؛ اما منظور از حدید چینی جنس نگین انگشتر باشد. از طرفی این احتمال نیز وجود دارد که پوشیدن آن در زمان خاصی مانند ملاقات و مقابله با اهل شر برای در امان ماندن از شر آن‌ها ایرادی نداشته باشد، همان‌طور که امام صادق (علیه السلام) نیز به آن اشاره کرده‌اند (خزعلی، ۱۴۲۶ ق، ج ۲: ۱۱).

۲-۲-۲. انگشتر منقوش به تماثل

در دین اسلام مجسمه‌سازی و تصویرسازی و وجود آن‌ها در خانه و محل نماز امری نکوهیده است. لذا در روایات توصیه شده که از نماز خواندن در خانه‌ای که این نقش و تصاویر در آن وجود دارد خودداری کنید. همچنین از انگشتری که منقوش به نقش حیوان باشد نهی شده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۴: ۱۰). این نکته در نماز اهمیت بیشتری

یافته به گونه‌ای که امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «نماز با انگشتری که نقش روی آن تمثال پرنده یا غیر آن باشد نماز نیست» (ابن بابویه، ۱۴۱۵ ق: ۸۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۴: ۴۴۰).

۲-۳- طلا

یکی از انگشترهایی که از پوشیدن آن نهی شده، انگشتر طلاست که برای مردان حرام دانسته و در روایات متعدد بر آن تصریح و تأکید شده است (حلبی شافعی، ۱۴۲۷ ق، ج ۳: ۲۹۸؛ سبحانی، ۱۳۸۵: ۹۰۲). امام صادق (علیه السلام) از سفارش پیامبر (صلی الله علیه و آله) به امیرالمومنین علی (علیه السلام) خبر داده که آن حضرت را از انگشتر طلا نهی کرده است (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۶: ۴۶۸) یا اینکه ایشان به جراح مدائنی فرمودند: «خاتمی از طلا در دستت قرار نده.» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۶: ۴۶۹).

امروزه نیز دانشمندان از نظر علمی به بخشی از علت این نهی و حکمت آن پی برده‌اند. عنصر طلا تاثیراتی روی گلبول‌های خون می‌گذارد که تعادل آن‌ها را به هم می‌زند و موجب افزایش گلبول‌های سفید و کاهش گلبول‌های قرمز خون می‌شود و سیستم ایمنی بدن را پایین می‌آورد و عوارضی مانند سرطان را در پی دارد. از آنجا که ساختار پوست زنان و مردان تفاوت دارد و چربی در پوست مردان کمتر است، یون‌های طلا راحت‌تر از پوست عبور می‌کنند و باعث اختلالاتی در بدن آنان می‌شود. از دیگر مضرات طلا برای مردان افزایش غلظت خون، ایجاد تحریکات عصبی، اختلالات هورمونی و کبدی و ناباروری است (حاجی فقها و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۳۵ و ۴۴۱).

۲-۳- جنس انگشتر

در منابع و کتب مختلف برای انگشترهای معصومان (علیهم السلام) جنس‌های مختلفی مانند نقره یا آهن بیان شده است. با توجه به سفارش و تأکید آن‌ها بر انگشترهایی با جنس خاص مانند نقره به نظر می‌رسد انگشتر آن‌ها بیشتر از همین جنس بوده است؛ هر چند در

برخی موقعیت‌ها و شرایط خاص از انگشترهایی با جنس دیگر نیز استفاده می‌کردند یا بر آن تاکید داشتند.

انگشتر نقره به‌عنوان پرکاربردترین انگشتر برای معصومان (علیهم السلام) بوده است و در بیشتر گزارش‌ها و روایات هم این جنس مطرح شده است. در روایتی از اسماعیل بن موسی آمده که انگشتر جدم امام صادق (علیه السلام) از نقره بوده است (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۹۱). انگشتر امام صادق (علیه السلام) را هفت دینار یا ۷۰ دینار (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۸۵) و در برخی منابع ۵۰ دینار ذکر کرده‌اند که در میراث امام بوده و امام کاظم (علیه السلام) مقداری بر آن افزودند و آن را خریدند و پولش را به عبدالله جعفر دادند (ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱ق، ج: ۶؛ ۲۴۴؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۹۱).

۲-۴. جایگاه نگین و نقش آن

۲-۴-۱. فضیلت برخی نگین‌ها

عقیق

عقیق به‌عنوان پرکاربردترین نگین و بافضیلت‌ترین آن‌ها در روایات مطرح و فضیلت‌های فراوانی برای آن ذکر شده است. از جمله آنکه امام صادق (علیه السلام) ضمن توصیه به انگشتر عقیق به سخن گفتن خدا با موسی بر روی کوه عقیق اشاره کرده و اینکه موسی بر این کوه به مقام کلیم الهی رسید (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۸۷). ایشان همچنین از قول پیامبر (صلی الله علیه و آله) انگشتر عقیق را توصیه کرده و آن مبارک دانستند (کلینی، ۱۳۶۲، ج: ۶؛ ۴۷۰). در روایتی دیگر فرمودند: «هیچ دستی محبوب‌تر از دستی نیست که در آن عقیق باشد و به آستان الهی بلند شده باشد» (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق: ۱۷۴).

امام صادق (علیه السلام) انگشتر با نگین عقیق را سبب دور شدن فقر معرفی کرده (کلینی، ۱۳۶۲، ج: ۶؛ ۴۷۱؛ ابن بابویه، ۱۴۰۶ق: ۱۷۳) و در جای دیگر فرمودند: «دستی که در آن نگین

عقیق است از درهم و دینار خالی نمی ماند» (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۸۸). در روایتی دیگر بشیر الدهان از امام صادق (علیه السلام) دربارهٔ بافضیلت‌ترین نگین‌ها پرسید و حضرت پس از بیان فضایلی برای عقیق، آن را موجب وسعت رزق معرفی کردند» (شامی، ۱۴۲۰ق: ۷۱۵).

۲-۵. آثار و خواص نگین‌ها

۲-۵-۱. برآورده شدن حاجت

در برآورده شدن حاجات و تسریع در آن عواملی مانند مکان، زمان، افراد و ابزار دخیل هستند. تقدس برخی مکان‌ها مانند مساجد و حرم ائمه و زمان‌هایی مانند ماه مبارک رمضان و اعیاد مذهبی و واسطه قرار دادن اولیای الهی در برآورده شدن حاجات امری پذیرفته شده است. دعاها و سوره‌های قرآنی به‌عنوان ابزاری برای اجابت دعا به کار گرفته می‌شوند. حتی در برخی گزارش‌های تاریخی استفاده برخی افراد از استخوان پیامبران برای اجابت دعا دیده می‌شود^۱ (ابن صباغ مالکی، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۱۰۸۵). یکی از ویژگی‌ها و خواص مطرح شده برای برخی نگین‌ها و انگشترها در سیره و سخن معصومان (علیهم السلام)، تسریع در اجابت دعا یا برآورده شدن حاجات است. لذا آورده‌اند که از صفات دعا کننده این است که در دستش انگشتری از نقره با نگین عقیق یا فیروزه باشد (ابن طاووس، ۱۴۱۱ق: ۳۶۰). البته این شرط برگرفته از روایاتی است که توسط معصومان (علیهم السلام) بیان شده باشد مانند کلام امام صادق (علیه السلام) که می‌فرمایند: «خداوند دوست دارد که در زمان دعا، دستی که نگین عقیق در آن است بالا برده شود» (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۸۸).

۲-۵-۲. امنیت

امنیت یکی از نعمت‌هایی است که به فرموده رسول گرامی اسلام ناشناخته مانده (فتال

۱. در زمان امام حسن عسکری (علیه السلام) خلیفه وقت به‌خاطر خشکسالی از مردم خواست برای نماز باران از شهر خارج شوند. در بین مردم راهبی بود که با دعایش باران می‌بارید و امام عسکری (علیه السلام) از اجابت دعایش را کشف کرد و آن به خاطر تکه استخوان یکی از پیامبران در دست او بود که با این کار نقشه و توطئه حکومت برای تضعیف اسلام را نقش بر آب کرد.

(حمیدرضا مطهری، لیلا شریفی)

نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲: ۴۷۲) است که در صورت فقدان آن انسان به ارزش آن پی می‌برد. دین اسلام که به جزئی‌ترین امور زندگی بشر هم توجه داشته است، بر امنیت روحی و جسمی انسان‌ها تاکید می‌کند و در این زمینه دستورهایی ارائه کرده است که مهم‌ترین آن‌ها به مراقبت و تدابیر خود انسان برمی‌گردد. در عین حال به خواندن و همراه داشتن اذکار و ادعیه برای ایمنی در مقابل ظلم و بلا یا در سفر نیز سفارش می‌کند. به دست کردن انگشتر عقیق نیز یکی از همین توصیه‌هاست. البته باید در نظر داشته باشیم که صرف به دست کردن چنین انگشتری بدون در نظر گرفتن تدابیر لازم نمی‌تواند امنیت‌آور باشد، بلکه این مزید بر سایر توصیه‌ها و مراقبت‌هاست.

در زمان امام صادق (علیه السلام) یکی از حکام محلی مردی از آل ابیطالب را احضار کرد و قصد آزار و اذیت او را داشت. او نزد امام صادق (علیه السلام) رفت و امام دستور دادند تا انگشتری از عقیق همراه او کنند و چنان کردند و ضرری به او نرسید (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۶: ۴۷۱). همچنین امام صادق (علیه السلام) عقیق را حرز در هر بلا معرفی کردند (طبرسی، ۱۴۱۲ ق: ۸۷). امام صادق (علیه السلام) در جای دیگر عقیق را امان در سفر (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۶: ۴۷۰؛ ابن بابویه، ۱۴۰۶ ق: ۱۷۴) و در روایت دیگری حرز در سفر معرفی کردند (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق: ۵: ۹۰).

۲-۵-۳. دفع شر دشمنان و شیاطین و اجنه

انگشتر حدید چینی یکی از انگشترهایی است که در این باره توصیه شده است. از آنجا که در برخی روایات آمده که خداوند آهن را در دنیا زینت جنیان و شیاطین قرار داده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق: ۴: ۴۱۹) دفع شر آن‌ها با همراه داشتن انگشتری از جنس آهن محل تأمل است. چون باید آن‌ها آهن را دوست داشته باشند. اما با بررسی روایاتی که توصیه به انگشتری با صفت حدید چینی کرده‌اند، می‌توان گفت این روایات دو دسته هستند یک دسته روایاتی که آهن را با صفتی خاص مانند چینی بودن آن می‌آورند و دسته دیگر برای چنین انگشتری اذکاری را به‌عنوان نقوش آن مطرح می‌کنند چنان که یکی از پنج انگشتری که امام صادق (علیه السلام) دوست دارند همین حدید چینی است که توصیه شده در وقت ملاقات با اهل شر و دشمنان پوشیده شود تا سبب دفع شر آنان و

شیاطین و اجنه متمرّد گردد (ابن طاووس: ۸۸؛ خزعلی، ۱۴۲۶ق، ج ۲: ۱۱) در علم گوهر و سنگ‌شناسی نیز برای آن خواصی مانند دفع وسوسه جنیان ذکر کرده‌اند و به‌طور کلی حرزی است برای برطرف کردن ترس کودکان و دفع موجودات مودّی (طوسی، ۱۳۶۳: ۲۲۵-۲۲۶).

۲-۵-۴. کسب و افزایش ثواب

برخی از اعمالی که انسان انجام می‌دهد هر چند به‌تنهایی دارای ثواب هستند، اما انجام برخی امور و عوامل در کنار آن‌ها می‌تواند ثواب آن عمل را چند برابر کند و باعث تعالی عمل انسان شود، مانند مسواک زدن قبل از نماز، به جماعت خواندن نماز و سجده بر تربت سید الشهدا (علیه السلام) که ثواب نماز را چند برابر می‌کند. به دست کردن انگشتر عقیق نیز آثاری دارد که یکی از آن‌ها چند برابر شدن ثواب نماز است. چنان‌که امام صادق (علیه السلام)، دورکعت نماز به همراه نگین عقیق را معادل هزار رکعت نماز بدون عقیق بیان کردند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵: ۹۱). در جای دیگر فرمودند: «هر کس به دُر نجف تخرّم کند و به آن نظر کند، خداوند به هر نظری ثواب یک زیارت برایش می‌نویسد که اجرش برابر اجر پیامبر و صالحان است» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۳۷).

۲-۶. نقش نگین و اهمیت آن

نقش نگین هم یکی از نکات مهمی است که در طول تاریخ همواره مورد توجه مردم به‌ویژه افراد صاحب‌منصب و دارای نفوذ بوده است. این نقش و نگارهای حکاکی شده بر نگین از یک‌سو نشان‌دهنده هنرمندی و مهارت حکاکان بوده و از سوی دیگر روحیات و تمایلات صاحب آن را نشان می‌دهد و از سوی نشانگر شرایط و اوضاع عصر صاحب نگین است. لذا می‌توان آن را گزیده شعارها، نماد باورها و ارزش‌های پذیرفته هر شخص و زمان خاص قلمداد کرد؛ باورهایی که امیدآفرین هستند و گاه با جهت‌گیری خاص سیاسی، همگان را به دعوتی خاص فرا می‌خواند. در گذشته، پیشوایان دین و مردان الهی، عبارتی

خاص بر روی نگین انگشترشان نقش می کردند که تاریخ نگاران آن را ثبت و گزارش کرده اند (قربانی، ۱۳۸۵: ۲۰).

نوشته و نقش روی نگین در اسلام از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده است. ائمه اطهار نیز عنایت ویژه ای به آن داشتند. آنان به معرفی نقش نگین انگشتر خود و امامان پیشین و نیز پیامبران گذشته و تبیین مفهوم آن برای دیگران توجه داشتند (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۴۵۶). اهتمام به نقش نگین به گونه ای بود که امام صادق (علیه السلام) آن را در کنار کنیه و طول محاسن، یکی از ابزارهای سنجش عقل مرد معرفی کرده است (همان، ۱۳۶۲، ج ۱: ۱۰۳)؛ یعنی نقش نگین انگشتر نشان دهنده عقل و تدبیر مرد است و اگر کسی عاقل باشد قطعاً بر روی انگشتر خود عبارت متین و شایسته ای را نقش می کند.

۲-۷. آثار و خواص نقش نگین

چنان که برای اصل نگین انگشتر آثاری در روایات گفته شده برای نقش آن نیز ویژگی ها و خواصی بیان شده است.

۲-۷-۱. وسعت رزق و اولاد

امام صادق (علیه السلام): «هر کس بخواهد مال و فرزندش زیاد شود و رزقش توسعه یابد، باید انگشتری با نگین عقیق بگیرد و بر آن نقش کند «ما شاء الله لا قوة الا بالله ان ترنا اقل منک مالاً و ولداً» (شعیری: ۱۳۴).

۲-۷-۲. ایمنی از فقر، دشمن و مرگ بد

امام صادق (علیه السلام) نقش عبارت «ما شاء الله لا قوة الا بالله استغفر الله» بر نگین انگشتر را سبب ایمنی از فقر شدید معرفی کردند (ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۱۸۰). ایشان در روایت دیگر به احساس امنیت با استفاده از حدید چینی اشاره کردند و به یکی از افراد ساکن منطقه جزیره که از والی آن سرزمین بر خود ترسناک و نگران بود که دشمنانش او را بشناساند و

جانش به خطر بیفتد، توصیه کردند تا انگشتری با نگین حدید چینی استفاده کند که بر ظاهر نگین در سه سطر نوشته شده باشد «أعوذُ بِجَلالِ اللهِ، أَعُوذُ بِكَلِماتِ اللهِ، أَعُوذُ بِرَسُولِ اللهِ» و در زیر نگین در دو سطر نوشته شده باشد «أَمَنْتُ بِاللّهِ وَ كُتِبَهِ، وَ إِنِّي وَاثِقٌ بِاللّهِ وَرُسُلِهِ» و بر جوانب و اطراف آن «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ مُخْلِصاً» نقش شده باشد. همچنین دستور دادند تا آن را در سایر حوائجی که بر او سخت است و در زمان ترس از اذیت مردم بپوشد که ترس‌های او را از بین می‌برد. همچنین توصیه کردند آن را بر زنی که زایمانش سخت است آویزان کنند تا به خواست خدا وضع حمل او آسان می‌شود. نیز برای کسی که چشم زخم خورده بیاویزند که اثر آن را از بین می‌برد. در ادامه آن را اسراری از اسرار خداوند و محافظت کننده‌ای از طرف او بیان کردند (ابن طاووس، ۱۴۰۹ق: ۵۰).

همچنین امام صادق (علیه السلام) به نقل از پدرش و آن حضرت از امام سجاد (علیه السلام)، ساختن انگشتری از عقیق با نقش «مَحَمَّدٌ نَبِيُّ اللهِ وَ عَلِيُّ وَلِيُّ اللهِ» را سبب حفاظت او توسط خداوند، از مرگ بد معرفی کرده و اینکه او نمی‌میرد مگر بر فطرتش (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق: ۱۷۴).

۲-۸. نقش نگین انگشتر امام صادق (علیه السلام)

در روایات و متون تاریخی نقش نگین انگشتری معصومان (علیهم السلام) با عبارات‌های مختلفی توصیف و بیان شده است. محتوای بیشتر این عبارات، بیان کننده تکیه و توکل آن‌ها بر خدای متعال و بندگی اوست و بدین وسیله مردم را نیز به این حقیقت دعوت می‌کردند.

قران و آیات آن همان‌طور که همواره با زندگی مسلمانان و آداب و رسوم و فرهنگ آن‌ها و ظاهر و باطن‌شان آمیخته و عجین شده، در زیورآلات آن‌ها نیز تجلی یافته است، به‌گونه‌ای که این آیات را بر نگین انگشتر خویش حک می‌کردند و حکاکای آیات الهی بر روی نگین انگشتر از پرکاربردترین نقوش است. البته این نوع از نقاشی و حکاکای خاص جامعه اسلامی بوده و بین مسلمانان رایج است. با بررسی نقوش انگشتری معصومان (علیهم السلام) نقش نگین‌شان عین آیات قرانی یا برگرفته از آن است و بسیاری از صحابه و بزرگان و برخی

(حمیدرضا مطهری، لیلا شریفی)

حاکمان سرزمین‌های اسلامی هم به تبعیت از آن‌ها، برای نگین انگشتری خود یک یا بخشی از آیات قرآن را انتخاب و انگشتر خود را بدان مزین نموده‌اند. این عمل از چنان فضیلتی برخوردار است که در برخی روایات انتخاب آیات به‌عنوان نقش نگین سبب آمرزش بیان شده است (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۹۱).

امام صادق (علیه السلام) بخشی از آیات قرآن یا مفهومی برگرفته از آیات را به‌عنوان نقش انگشتری خویش تعیین می‌کردند. از آیاتی که به‌عنوان نقش نگین انگشتر آن حضرت استفاده شده، می‌توان به این موارد اشاره کرد: «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۶: ۴۷۳) و «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» (ابن صباغ مالکی، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۹۱۲) و از مفاهیم برگرفته از آیات قرآنی عبارات زیر در نقش انگشتری آن حضرت گزارش شده است: «اللَّهُ رَبِّي عَصَمَنِي مِنْ خَلْقِهِ» و «اللَّهُ عُونِي وَعِصَمَتِي مِنَ النَّاسِ» و «أَنْتَ ثَقْتِي فَأَعِصِمْنِي مِنْ خَلْقِكَ» (طبری، ۱۴۱۳ق: ۲۴۷).

۸-۱-۲. رابطه شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر امام صادق (علیه السلام) با نقش نگین انگشتر ایشان

یکی از نکات مؤثر در نگین انگشترهای ائمه (علیهم السلام) شرایط فرهنگی و سیاسی آن دوره است. دوران امام صادق (علیه السلام) از جهت سیاسی و فرهنگی وضعیت متفاوتی داشت. از جهت سیاسی حکومت اموی در آستانه سقوط قرار گرفته و از میان رفت. از سوی دیگر خلافت عباسیان که به شعار «الرضا من آل محمد» و به بهانه طرفداری از خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) حرکت و دعوت خود را آغاز کرده بودند، هنوز تثبیت نشده و در آغاز راه بود و البته امام صادق (علیه السلام) و علویان را خطری جدی برای حکومت خود می‌دید. بخشی از عمر امام هم‌زمان با حکومت اموی بود که انواع ظلم ستم‌ها و هتک حرمت‌ها را در حق اهل بیت (علیهم السلام) انجام دادند و بخش دیگری از عمر شریفش هم‌زمان با حکومت تازه تأسیس عباسی بود که نه‌تنها دست کمی از امویان نداشتند، بلکه در ظلم و ستم بر خاندان پیامبر از هیچ کوششی دریغ نمی‌کردند و در تقابل با علویان و ظلم و از بین بردن آنان از امویان پیشی گرفتند (مفید، ۱۴۱۳ق (ب)، ج ۲: ۲۲۱). لذا بسیاری از شیعیان و یاران امام مجبور به تقیه می‌شدند و این از طرف امام امری واجب شمرده شده بود و ترک آن برابر

ترک نماز بود (نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۲: ۲۵۴) هشام (۱۰۵-۱۲۵ ق) خلفای اموی از هشام تا مروان بن محمد، آخرین حاکم مروانی و منصور (۱۳۶-۱۵۸ ق) خلیفه عباسی که سردمدار خشونت علیه علویان بود، همزمان با دوران امام صادق (علیه السلام) بودند. منصور که در صدد تحقیر امام و کاستن از مقام و منزلت او نزد مردم و علما بود، از ابوحنیفه خواست که با طرح مسائل مشکل امام رابه عجز در آورد و امام در نظر مردم خوار و کوچک شود که اشراف علمی امام قضیه را بر عکس کرد و مانع از رسیدن آن‌ها به هدفشان شد به گونه‌ای که حتی خود ابوحنیفه به مدح و ستایش امام پرداخت (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق، ج ۴: ۲۵۵).

از جهت فرهنگی نیز عصر آرا و اندیشه‌ها و تفکرات مختلف بود. اندیشه غلو در این دوران موج می‌زد و سبب رواج انحراف در جامعه می‌شد. فرق انحرافی و اندیشه‌های غالبانه آنان از جایگاه امام کاسته و موقعیت او را نزد مردم تخریب می‌کرد. به‌عنوان مثال برخی غالیان شناخت امام را مکفی از انجام واجبات می‌دانستند (کشی، ۱۳۴۸: ۳۲۴). فزونی این تفکر انحرافی را از روایات فراوان امام صادق (علیه السلام) می‌توان دریافت که در موارد متعدد غالیان را معرفی و لعن و نفرین می‌کردند (طبری، ۱۴۱۳ ق: ۳۰۰-۳۰۵) و آن‌ها را از مجوس، یهود، نصاری و مشرکان بدتر می‌دانستند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق، ج ۱: ۲۶۳). برخی غالیان برای ائمه ادعای الوهیت می‌کردند و در تفسیر آیه «هُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌُ وَ فِي الْأَرْضِ» می‌گفتند منظور از «اله» در زمین امام است که حضرت با رد عقاید آن‌ها و لعن و نفرین آن‌ها با آن‌ها برخورد می‌کردند. در این راه یکی از اقدامات امام برای مقابله با عقاید باطل آن‌ها استفاده از نقش «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۶: ۴۷۳) بر نگین انگشتر خویش بود که نشان می‌داد فقط خدا را خالق آسمان و زمین می‌داند نه شخص دیگری. به نظر می‌رسد نقش اصلی انگشتر آن حضرت نیز همین بوده است. نقش نگین‌های دیگر با عباراتی مشابه هم برای امام صادق (علیه السلام) ذکر شده که مفهوم همه آن‌ها تکیه و اعتماد به خدا و یاری خواستن از او در برابر شر مخلوقات است.

تهدید امام توسط حکومت به‌ویژه در عصر عباسیان بر اثر برخی سخنان و موضع‌گیری‌های امام در برابر خلفا بیشتر می‌شد. از جمله نهی از رفتن نزد قاضی و سلطان برای قضاوت که آنان را از طاغوت می‌داند (همان، ج ۱: ۶۷) یا جواب دندان‌شکن

امام به منصور وقتی از آن حضرت پرسید: چرا مانند دیگران نزد ما نمی آیی؟ (اربلی، ۱۴۲۱ق، ج ۲: ۷۴۰) با وجود این تهدیدها، ایشان با توکل و اعتمادی که به یاری خداوند داشتند، حفظ خود از شر دشمنان و توطئه آنان را از خداوند خواسته و به او پناه می بردند؛ بنابراین انتخاب عبارت‌های مانند «اللَّهُ رَبِّي عَصَمَنِي مِنْ خَلْقِهِ» یا «اللَّهُ عَوْنِي وَعِصْمَتِي مِنَ النَّاسِ» یا «أَنْتَ ثَقَّتِي فَأَعِصِمْنِي مِنْ خَلْقِكَ» (طبری، ۱۴۱۳ق: ۲۴۷) در نقش نگین آن حضرت، بیانگر اوضاع و شرایطی است که ایشان در آن قرار داشت و خداوند را حافظ و نگهدار خود می دانستند. از طرفی نشان دهنده تعبد و توکل او به خداوند است و در راه احیای امر حق به خواست و اراده خداوند و نیز یاری او اعتقاد کامل دارد و مطمئن است به نتیجه مطلوب می رسد؛ لذا عبارت «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» (ابن صباغ مالکی، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۹۱۲) نیز بر خاتم امام دیده می شود.

۳. نتیجه گیری

بررسی های انجام شده حاکی از ارزش و اهمیت انگشتر در اسلام و سیره معصومان (علیهم السلام) است. آن ها نه تنها خود به استفاده از انگشتر مقید بودند، که دیگران را نیز به آن تشویق و بر آن تاکید می کردند. در سیره امام صادق (علیه السلام) نیز انگشتر، نگین و نقش نگین از جایگاهی برجسته برخوردار بود، به گونه ای که در باب فضیلت و آثار و خواص آن روایات فراوانی از آن امام بزرگوار دیده می شود. نقش انگشتر امام صادق (علیه السلام) برگرفته از آیات قرآنی یا مفهوم آن است و با توجه به شخصیت و شرایط عصر خود، آن را انتخاب می کردند و دارای کارکرد ویژه ای هم بود. هوشمندی امام صادق (علیه السلام) در استفاده از نگین انگشتر چنان بود که گاه در تقابل با افکار و فرق یا جریان های انحرافی و گاه در برابر دستگاه حاکمه با هدف انتقاد و اعتراض از این روش بهره می بردند. در واقع ایشان از این طریق نیز برای پیشبرد اهداف خود و اعتلای اسلام بهره می بردند و به نوعی نظر خود را درباره شرایط حاکم بر جامعه بیان می کردند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

- ابن اعثم کوفی، ابومحمد احمد بن علی. (۱۴۱۱ق). الفتوح. بیروت: دارالاضواء.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۶). امالی. چاپ ششم. تهران: کتابچی.
- _____ (۱۴۰۶ق). ثواب الاعمال و عقاب الاعمال. چاپ دوم. قم: دار الشریف الرضی.
- _____ (۱۳۶۲). خصال. مصحح: علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.
- _____ (۱۳۷۸ق). عیون اخبار الرضا. مصحح: مهدی لاجوردی. تهران: نشر جهان.
- _____ (۱۴۱۵ق). المقنع. قم: موسسه الامام هادی.
- _____ (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، رشید الدین محمد بن علی. (۱۳۷۹ق). المناقب. قم: علامه.
- ابن صباح مالکی، علی بن محمد. (۱۴۲۲ق). الفصول المهمة فی معرفة الأئمة علیهم السلام. قم: دارالحدیث.
- ابن طاووس، عبد الکریم بن احمد. (بی تا). فرحة الغری فی تعیین قبر امیر المومنین علی بن ابیطالب. قم: رضی.
- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۰۹ق). الامان من اخطار الاسفار و الازمان. قم: موسسه آل البيت.
- _____ (۱۴۱۱ق). مهج الدعوات و منهج العبادات. قم: دار الذخائر.
- ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. مصحح: عبدالسلام محمد هارون. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل. (بی تا). البداية و النهاية. بیروت: دار الفکر.
- اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی. (۱۴۲۱ق). کشف الغمة فی معرفة الأئمة. قم: رضی.
- بیات مختاری، مهدی؛ سراج، سید علی. (۱۴۰۲). «نقوش توحیدی انگشترهای امام رضا علیه السلام و چرایی انتخاب آن‌ها».
- پژوهش‌های حدیثی- کلامی. دوره ۱. شماره ۱. صص: ۲۱-۳۷.
- حاجی فقها، محبوبه؛ غفاری نوین، معرفت؛ علیزاده، شیوا. (۱۳۹۶). «اثر طلا بر فیزیولوژی باروری مردان: مروری بر مطالعات».
- مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران. دوره ۲۷. شماره ۱۴۷. صص: ۴۳۳-۴۴۵.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة. قم: موسسه آل البيت.
- حسینی زبیدی واسطی، مرتضی. (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دار الفکر.
- حسینی (زرفا)، سید ابوالقاسم. (۱۳۹۷). «تحلیل جهت‌نمای «ذکر» در آرایه انگشتر در سیره معصومان». عصر آدینه. سال یازدهم. شماره ۲۶. صص: ۶۳-۸۸.
- حلبی شافعی، ابوالفرج. (۱۴۲۷ق). سیرة حلبیة. (چاپ دوم). بیروت: دارالکتب العلمیة.
- خزعلی، ابوالقاسم. (۱۴۲۶ق). موسوعة الامام العسکری. قم: موسسه ولی عصر.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۹۰). لغت‌نامه. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- رنجبران، علی اکبر. (۱۳۹۳). انگشتر زینتی اسلامی. تهران: زمزم اندیشه.
- سبحانی، جعفر. (۱۳۸۵). فروغ ابدیت. چاپ بیست و یکم. قم: بوستان کتاب.
- شامی، جمال الدین یوسف بن حاتم. (۱۴۲۰ق). الدر المنظیم فی مناقب الائمة اللهامیم. قم: جامعه مدرسین.

(حمیدرضا مظهری، لیلا شریفی)

- شعیری، محمد بن محمد. (بی تا). جامع الاخبار. نجف: مطبعة حیدریة.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم. (۱۳۶۴). ملل و نحل. چاپ سوم. قم: الشریف الرضی.
- طبری، محمد بن جریر بن رستم. (۱۴۱۳ق). دلائل الامامة. قم: بعثت.
- طبرسی، حسن بن فضل. (۱۴۱۲ق). مکارم الاخلاق. چاپ چهارم. قم: شریف الرضی.
- طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵). مجمع البحرین. محقق: احمد حسینی اشکوری. چاپ سوم. تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). تهذیب الاحکام. مصحح: خراسان، حسن الموسوی. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الاسلامیة.
- طوسی، نصیر الدین محمد بن محمد. (۱۳۶۳). تنسیخ نامه ایخانی. مصحح: مدرس رضوی. چاپ دوم. تهران: اطلاعات.
- طهرانی (آقا بزرگ)، محمد محسن. (بی تا). الذریعة الی تصانیف الشیعة. قم: اسماعیلیان.
- فتال نیشابوری، محمد بن حسن. (۱۳۷۵). روضه الواعظین و بصیرة المتعظین. قم: رضی.
- قربانی، علی اصغر. (۱۳۸۵). امام کاظم از دیدگاه اهل سنت. قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.
- قرشی بناپی، علی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیة.
- کشی، محمد بن عمر. (۱۳۴۸). اختیار معرفة الرجال. مشهد: دانشگاه مشهد.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۲). الکافی. چاپ دوم. تهران: اسلامیة.
- مسعودی، علی بن حسین. (۱۴۰۹ق). مروج الذهب و معادن الجوهر. محقق: اسعد داغر. چاپ دوم. قم: دار الهجرة.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق (الف)). الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد. قم: کنگره شیخ مفید.
- _____ (۱۴۱۳ق (ب)). مناسک المزار. قم: کنگره شیخ مفید.
- نوری، حسین بن محمد تقی. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. مصحح: موسسه آل البيت. قم: موسسه آل البيت.
- الولی، محمد طه. (۱۹۶۷). «از انگشتری تا مهر». الدراسات الادبیه. سال هفتم. ۱۹۶۷. شماره های ۱ و ۲.

The Significance of Rings in Imam Sadiq's (as) Conduct

Hamid Reza Motahari¹ Leila Sharifi²

Received: March 25 , 2025

Revised: June 07 , 2025

Accepted: June 15 , 2025

Abstract

The ring, as an ornamental object, has held a special place in human life across various societies and carries spiritual value in Islamic culture. It has also held significant importance in the sirah (Lifestyle) of the Infallibles, including Imam al-Sadiq (AS), who emphasized its use. The primary question of this research is: *What was the status, significance, and function of the ring in the tradition of Imam al-Sadiq (AS)?*

Imam al-Sadiq (AS) not only recommended wearing a ring and specified its manner of use but also employed the ring and its engraved seal (*naqsh-nageen*) to reflect the political and cultural conditions of his era. At times, he advised certain individuals to use it as a means for counting prayer cycles (*rak'ats*). The material of the ring and its gemstone, as well as the engraving on the seal, are among the details emphasized in Imam al-Sadiq's (AS) sirah(Lifestyle).

This research, relying on early historical and hadith sources, adopts a historical and descriptive-analytical approach to elucidate the status of the ring in Imam al-Sadiq's (AS) tradition. His emphasis on using this Islamic adornment as a recommended practice (*mustahabb*) and his elaboration on its virtues and effects—demonstrating the elevated status of the ring—along with the connection between the engraving on Imam al-Sadiq's (AS) ring and his personality, as well as the sociopolitical and cultural conditions of his era, are among the most significant findings of this study.

Keywords: Imam al-Sadiq (AS), *Khatam* (ring), ring, engraved seal, function of the ring.

1. Associate Professor, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran: h.motahari@isca.ac.ir

2. Level four Student, Jamiat al- Zahra, Qom, Iran((Corresponding Author): l.sharifi.1395@gmail.com